

نسبت محتوایی کتاب‌های آسمانی از منظر قرآن کریم

مطهره جعفری (کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث)

mj_24may1990@yahoo.com

جلیل پروین (عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث)

jalilparvin@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۴

چکیده

قرآن، به‌عنوان کامل‌ترین و آخرین کتاب آسمانی، از کتاب‌های آسمانی گذشته با عناوین عام و خاصی همچون کتاب، صحف، زُبر، الواح، تورات، انجیل و زبور یاد می‌کند. در این مقاله، نسبت محتوایی کتاب‌های آسمانی پیشین با یکدیگر و نیز نسبت محتوایی قرآن با آن‌ها بررسی و تحلیل قرار شده است. از نظر محتوایی، تورات اصیل، بیش‌تر از سنخ احکام و اعتقادات (توحید، معاد، نبوت)، و انجیل اصلی، بیش‌تر از سنخ موعظه و اخلاق بوده و همین امر، سبب شده است که این دو کتاب در کنار هم، وسیله هدایت مردم معرفی شوند. اما قرآن، به‌عنوان کامل‌ترین و آخرین کتاب آسمانی، «مُهیمن» بر کتابها آسمانی گذشته معرفی شده است. لذا، نسبت قرآن کریم با تمام کتاب‌های آسمانی پیشین، عموم و خصوص مطلق و نسبت دو کتاب تورات و انجیل با یکدیگر، عموم و خصوص من وجه است. درباره محتوای صحف ابراهیم علیه السلام و زبور داود علیه السلام علی‌الظاهر مطلبی در قرآن نیست.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کتاب‌های آسمانی، تورات، انجیل.

مقدمه

خداوند متعال به دنبال هبوط آدم به روی زمین، وسیله هدایت او را نیز فراهم کرد (بقره: ۳۸). از جمله این که برخی انبیای الهی را، همراه با کتاب آسمانی برای هدایت مردم فرو فرستاد:

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۲۱۳)¹.

در ادوار مختلف، این سنت الهی، یعنی راهنمایی بشر به وسیله قوانین الهی (کتاب‌های آسمانی) ادامه داشته است. همچنین آیه فوق بیانگر این است که تعداد کتاب‌های نازل شده بر پیامبران الهی بسیار زیاد بوده، که ایمان و اعتقاد داشتن به همه آن‌ها به طور اجمالی واجب است.

قرآن، کتاب مقدس اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و آخرین پیام الهی، توجه زیادی به کتاب‌های برجسته ادیان الهی پیش از خود دارد. در این میان، نام چهار کتاب به‌صراحت در قرآن کریم ذکر شده و مشخص شده که هرکدام از این چهار کتاب به کدام یک از پیامبران الهی نازل شده‌اند. این چهار کتاب عبارت‌اند از: قرآن، تورات حضرت موسی علیه السلام، انجیل حضرت عیسی علیه السلام و زبور حضرت داود علیه السلام. شایان ذکر است که: از کتاب حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن با عنوان صحف یاد شده است. قرآن کریم، در بعضی از آیات، با بیان اوصاف و یا ذکر پاره‌ای از احکام و آموزه‌های اخلاقی و اعتقادی کتاب‌های آسمانی پیشین، تصویری از محتوا و آموزه‌های وحیانی این کتاب‌ها، به دست می‌دهد. درباره محتوا و آموزه‌های وحیانی زبور حضرت داود علیه السلام و صحف حضرت ابراهیم علیه السلام علی‌الظاهر مطلبی در قرآن بیان نشده است.

همچنین، این کتاب‌ها در دیدگاه قرآن از نظر اهمیت در یک مرتبه نیستند. به‌عنوان مثال، خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره مائده، قرآن را مهیمن بر دیگر کتاب‌های آسمانی معرفی می‌کند. بر این اساس، دغدغه پژوهش حاضر بررسی نسبت محتوایی این کتاب‌های مقدس با یکدیگر است. مقاله حاضر برای دستیابی به این هدف، مسائل زیر را به ترتیب بررسی می‌کند:

۱- محتوای کتاب‌های آسمانی پیشین به‌ویژه تورات و انجیل از منظر قرآن کریم؛

۲- مفهوم نسب اربعه؛



۳- مراد از مهیمن بودن قرآن؛

۴- بررسی نسبت محتوایی کتاب‌های پیشین با همدیگر و نیز نسبت محتوایی قرآن با کتاب‌های پیشین.

عنایت قرآن به این موضوع، از اهمیت به‌سزایی برای ما مسلمانان برخوردار است؛ چراکه، افزون بر بیان وجه ارتباط و اشتراک مسلمانان با پیروان ادیان ابراهیمی، تبیین‌کننده جایگاه و رابطه ارزشی تعالیم اسلام نسبت به ادیان آسمانی پیشین نیز هست.

۱. محتوای کتاب‌های آسمانی از منظر قرآن کریم

۱-۱. محتوای تورات

قرآن کریم، کتاب حضرت موسی علیه السلام را بیانگر همه معارف مورد نیاز مردم معرفی می‌کند: ﴿ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّعَالَمِهِمْ يَلْقَاءُ رَبَّهُمْ يُؤْمِنُونَ﴾ (انعام: ۱۵۴). در تفسیر این آیه گفته‌اند کتاب‌های آسمانی پیش از حضرت موسی علیه السلام، تنها شامل اصول و کلیاتی از آموزه‌ها و شرایع الهی بودند و مراد از «لِكُلِّ شَيْءٍ» بیان تفصیلی جزئیات آن اصول و کلیات است که کتاب حضرت موسی علیه السلام بر اساس نیاز بنی‌اسرائیل به تبیین آن‌ها پرداخت (طباطبایی، ۱۴۲۲م: ۳۸۱/۷ - ۳۸۴). قرآن کریم، در بخش‌های مختلفی به بیان برخی از تعالیم و حیانی حضرت موسی علیه السلام و به بیان دیگر، محتوای تورات اصلی پرداخته است که اهم آن‌ها به شرح ذیل است:

۱-۱-۱. توحید

در میان موضوعات معرفتی و اعتقادی، نزدیک‌ترین همسویی و هماهنگی میان قرآن و تورات، در موضوع توحید به چشم می‌خورد. توحید به معنای نفی شریک در خالقیت، ربوبیت و پرستش، در هر دو کتاب، تأکید و توصیه شده است. سخت‌ترین تهدیدها نیز متوجه کسانی شده است که خدای یگانه را رها کنند و به بت‌پرستی در چهره‌های گوناگونش بپردازند. قرآن کریم در تصویری کلی، خداشناسی تورات را توحیدی می‌خواند. بر اساس آیات ۱۱ - ۱۴ سوره طه^۳، اصلی‌ترین و نخستین آموزه‌های وحیانی نازل شده بر حضرت موسی علیه السلام، توحید در ربوبیت، الوهیت و عبودیت است. چنان‌که در سوره بقره^۴، دعوت به پرستش خدای یگانه و نفی خدایان دروغین را

یکی از آموزه‌های کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام می‌خواند. همچنین در سوره اسراء^۵ کتاب حضرت موسی علیه السلام وسیله هدایت بنی اسرائیل معرفی شده است تا به وسیله این کتاب، از پرستش غیر خدا دوری کنند. این آیه دعوت به توحید را بیان می‌کند.

در سوره انبیاء^۶، نفی الوهیت خدایان دروغین و مطالبه برهان از مشرکین، در مقابل قرآن و کتب آسمانی پیشین (طباطبایی، ۱۴۲۲م: ۲۷۴/۷)، برای اثبات باورهای خویش از سخنان و آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انبیای پیش از او خوانده می‌شود. آیات سوره نجم^۷، مواردی از منتهی شدن خلقت و تدبیر به خدای سبحان را بر می‌شمارد، و سیاق در همه این آیات سیاق انحصار است، می‌فهماند که ربوبیت منحصر در خدای تعالی است و برای او شریکی در ربوبیت نیست، و این انحصار با وساطت اسباب طبیعی و یا غیرطبیعی در آن امور منافاتی ندارد (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۴۵/۱۹ - ۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۲/۹ - ۲۷۳).

بیان خالقیت و ربوبیت تکوینی خداوند با اشاره به مصادیق مختلف آن از دیگر آموزه‌های خدا شناختی توحیدی است که در صحف موسی (تورات) آمده است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۴۵/۱۹ - ۴۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۵۴۰/۲ - ۵۴۲). معرفی تزکیه نفس، یاد خدا و نماز خواندن به عنوان زمینه‌های رستگاری انسان آموزه دیگر توراتی در حوزه خداشناسی توحیدی است (اعلی: ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹).

۱-۲. معادشناسی

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ (انعام: ۱۵۴)^۸. از اینکه فرموده: ﴿لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ می‌توان استفاده کرد که بنی اسرائیل از ایمان به مسئله معاد استنکاف می‌کردند. مؤیدش این که در هیچ جای تورات فعلی، که قرآن مجید آن را دست خورده و تحریف شده خوانده است، صحبتی از قیامت به میان نیامده است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۳۸۳/۷). بر اساس این آیه، خداوند دادن کتاب به حضرت موسی علیه السلام را کامل کردن نعمت خویش بر نیکوکاران (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۲۷/۱) و مایه رحمت و هدایت آنان می‌خواند؛ باشد که به وسیله آموزه‌های معادشناختی، زمینه‌ساز ایمان آن‌ها به دیدار پروردگار، یعنی روز رستاخیز گردد (همان؛ رازی، ۱۴۱۳ق: ۱۴/۴).

در سوره طه (۱۵-۱۶)^۹، حتمی بودن وقوع قیامت، کیفر و پاداش انسان‌ها به سبب کارهای نیک و بد و هشدار درباره تکذیب قیامت و غفلت از آن، از آموزه‌های نازل شده بر حضرت موسی علیه السلام بوده است. در آیه ۵۵ همین سوره، ابتدای خلقت آدمی را از زمین می‌داند. سپس بازگشت او را در زمین و جزئی از زمین و در آخر بیرون شدنش برای بازگشت به سوی خدا از زمین و به خداوند بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۷۲/۱۴). این آیه یکی دیگر از آموزه‌های معادشناختی حضرت موسی علیه السلام است که هنگام دعوت فرعون به یگانه‌پرستی و معرفی خدای یگانه به وی مطرح شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۴/۷).

بازگشت انسان به سوی خدا، ثواب و عقاب برای اعمال انسان در آخرت و اینکه در آن روز هرکسی تنها از نتیجه تلاش خویش بهره‌مند می‌شود و هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر دوش نخواهد کشید، از آموزه‌های مهم و به نسبت جزئی‌تر تورات اصلی در حوزه معاد است (نجم: ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۴۲، ۴۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۱/۹؛ طباطبایی، ۱۴۲۲: ۴۶/۱۹ - ۴۷). سیاق آیات، مؤید گزارش‌های رسیده درباره شأن نزول آن‌هاست که بر اساس آن‌ها یکی از مسلمانان برای آمرزش گناهان خود، مال فراوانی انفاق می‌کرد. برخی ضمن هشدار درباره تمام شدن دارایی، به او گفتند اگر به جای انفاق زیاد، بخشی از اموال خود را به آنان دهد، همه گناهان او را بر عهده می‌گیرند. هنگامی که او از انفاق دست کشید، این آیات نازل شد که او از کجا می‌داند که اموالش با انفاق کردن پایان می‌پذیرد یا دیگران می‌توانند گناهان او را بر دوش کشند؟ مگر او علم غیب دارد؟ آنگاه در نفی پندارهای وی، آموزه‌های معادشناختی و آمدن آن‌ها در صحف حضرت ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام یاد شده است (همان: ۴۴ - ۴۶).

خدای سبحان در این آیه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند، وعده قطعی بهشت می‌دهد و می‌فرماید این وعده را در تورات و انجیل هم داده، همان‌طور که در قرآن^{۱۰} می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۳۹۵/۹). بر اساس آموزه‌های صحف حضرت موسی علیه السلام، جهان آخرت بهتر و پایدارتر از زندگی دنیاست (اعلی: ۱۶ - ۱۹). در بعضی از آیات، آموزه‌های معادشناختی، در سخنان پیروان معاصر حضرت موسی علیه السلام نیز به چشم می‌خورد. این سخنان درواقع می‌تواند بازتابی از آموزه‌های وحیانی حضرت موسی علیه السلام و کتاب آسمانی او باشد.^{۱۱}

۱-۱-۳. نبوت

علامه طباطبایی معتقد است در این دوره تاریخی، آموزه‌ها و ادیان الهی به مرور زمان از بین رفته بودند و نیاز به نزول کتاب آسمانی جدید احساس می‌شد. بر همین اساس، حکمت الهی اقتضا می‌کرد تا دعوت و انذار جدیدی صورت پذیرد تا با اشاره به سرگذشت اقوام پیشین و نابودی آنان در پی تکذیب آیات الهی و نیز ارائه عقاید و احکام الهی، مای، عبرت، هدایت و ایمان مردم شود (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۴۹/۱۶ - ۵۰).

ایمان و اعتقاد به پیامبران گذشته یکی از ارکان اعتقادی اسلام است که به صورت مکرر در آیات قرآن مجید به آن اشاره شده است و تأکید شده که مسلمانان باید به تمام پیامبران خدا ایمان بیاورند و تفاوتی بین آنان قائل نباشند.^{۱۲} بنا بر نص صریح برخی آیات قرآن و نیز ظاهر برخی دیگر، خبر بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ویژگی‌های او در تورات و انجیلی که از سوی خدا نازل شده، آمده است.^{۱۳}

از اینکه اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله را نبرده و با سه وصف «رسول»، «نبی» و «أمی» (درس ناخوانده و خط نانوشته) یاد کرده و مخصوصاً از اینکه در ادامه فرموده: «الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» (اعراف: ۱۵۷) به خوبی به دست می‌آید که آن جناب در تورات و انجیل هم به همین سه وصف معرفی شده است. چون غیر از آیه مورد بحث که راجع به شهادت تورات و انجیل بر نبوت آن حضرت است، در هیچ جای دیگر قرآن، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مجموع این اوصاف یکجا توصیف نشده؛ و اگر منظور از توصیف وی به این اوصاف تعریف آن جناب به اوصاف آشنای در نظر یهود و نصارا نبود، در خصوص این آیه وی را به این اوصاف و مخصوصاً صفت سوم توصیف کردن هیچ نکته‌ای را افاده نمی‌کرد. همچنین ظاهر آیه دلالت و یا حداقل اشعار دارد بر اینکه مسئله امر به معروف و نهی از منکر و خلاصه امور پنج‌گانه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این آیه به آن امور وصف شده، همه از علائمی است که از آن جناب در تورات و انجیل ذکر شده است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۲۸۰/۸).

بر اساس برخی دیگر از آیات قرآن^{۱۴}، گزارش‌های تورات و انجیل درباره بعثت و ویژگی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گونه‌ای دقیق و روشن بوده است که برای یهود و نصارا یا دست کم برای دانشمندان آنان هیچ تردیدی در شناخت آن حضرت و حقانیت دعوت و رسالت او باقی



نمی گذاشت. اهل کتاب، پیامبر اسلام را می شناسند، آن طور که بچه های خود را می شناسند، زیرا تمامی خصوصیات آن جناب را در کتاب های خود دیده اند. ولی با وجود این طایفه ای از این علما، عامداً معلومات خود را کتمان می کنند (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۴۰/۷).

از این آیه و همانند آن^{۱۵} برمی آید که گزارش های یادشده، در تورات و انجیل های موجود در عصر نزول نیز بوده است. در غیر این صورت، یهود و نصارا با استناد بر آن به عنوان بهترین دلیل، شدیداً به تکذیب قرآن، پیامبر اکرم ﷺ و دعوت او می پرداختند (خویی، بی تا: ۱۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۲۲: ۲۵۳/۱۹ - ۲۵۴؛ رازی، ۱۴۱۳: ۱۱۹/۱۷). در حالی که شماری از آنان به ویژه برخی از دانشمندان یهود و نصارا بر اساس بشارت های یادشده و شناخت پیشین از پیامبر اکرم به او ایمان آوردند (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۵۴/۱۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۹۶/۱۳).

البته با توجه به تحریف آمیز بودن بسیاری از گزارش های عهد قدیم، آنچه قرآن در این باره آورده است، به طور کامل در آن وجود ندارد و آنچه یافت می شود برخی عبارات کلی است که قابل انطباق بر پیامبر اکرم ﷺ است. در حالی که از قرآن برمی آید که در تورات و انجیل به روشنی و با صراحت از آمدن پیامبر ﷺ خبر داده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۱۸۸). تاریخ و سرگذشت برخی پیامبران و اقوام پیش از موسی ﷺ مانند قوم نوح، عاد و ثمود نیز در صحف او آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۷۷/۹) که آیات سوره نجم (۳۶، ۵۰، ۵۴) مؤید این کلام است.

۱-۱-۴ احکام

بررسی آیات قرآن نشان می دهد که تورات شامل احکام فردی، اجتماعی، عبادی، قضایی، سیاسی و نظامی مهمی بوده است و خداوند تورات را به موسی ﷺ داد تا به بیان تفصیلی همه چیز بپردازد^{۱۶}. به عقیده برخی مفسران، مراد، بیان تفصیلی در حوزه مسائل و نیازهای دینی و شریعت است (طبری، ۱۴۱۵: ۱۲۱/۸؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۹: ۱۹۹/۲).

بعضی مفسران با اعتقاد به ارتباط این آیه با آیات پیشین^{۱۷} معتقدند محرمات یادشده در آیات مزبور، در کتاب های آسمانی پیش از تورات به همین صورت کلی آمده اند؛ ولی تورات در پاسخ به نیاز عصری مخاطبانش به بیان تفصیلی آنها پرداخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۰/۶؛ طباطبایی، ۱۴۲۲: ۳۸۱/۷ - ۳۸۴). پرهیز از شرک به خدا و کشتن فرزندان از ترس نداری،

دوری از کارهای زشت آشکار و نهان، نکشتن بی‌گناهان، اجتناب از خوردن مال یتیم، کم‌فروشی نکردن، نیکی به پدر و مادر و عادلانه سخن گفتن آموزه‌هایی‌اند که در آیات یادشده آمده‌اند. اقامه نماز برای یاد خداوند از نخستین آموزه‌های نازل شده بر موسی علیه السلام در حوزه احکام عبادی است.^{۱۸} پرهیز از دروغ بستن و نسبت‌های ناروا به خداوند دادن و نیز ستمگر خواندن کسانی که بر اساس آموزه‌های الهی حکم نمی‌کنند از دیگر احکام تورات در حوزه ارتباط با خدا و دین الهی‌اند.^{۱۹}

لزوم پرهیز از جنگ و درگیری داخلی، بیرون نکردن یکدیگر از خانه و کاشانه خویش، هم‌پیمانی و همکاری نکردن با بیگانگان بر ضد یکدیگر و لزوم آزادسازی اسیران خویش با پرداخت فدیة، از آموزه‌های اجتماعی تورات با رویکرد سیاسی و نظامی‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۶۰/۱ - ۱۶۱؛ طوسی، بی تا: ۳۳۱/۱ - ۳۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۰۰/۱).^{۲۰} همچنان که یکی دیگر از آموزه‌های تورات با رویکرد نظامی، جنگ و جهاد در راه خدا و وعده حتمی بهشت به مؤمنانی است که در این مسیر، دشمنان خدا را می‌کشند یا خود کشته می‌شوند (توبه: ۱۱۱). آیات ۴۴ - ۴۵ مائده، احکام قصاص که بخش دیگری از آموزه‌های تورات در حوزه احکام قضایی و حقوق جزا است، را بیان می‌کند. این احکام در عصر نزول قرآن وجود داشتند و پاسخگوی نیاز یهودیان بودند.^{۲۱} تورات حتی برای تنظیم ارتباط پیروان خویش با طبیعت و پدیده‌های آن نیز احکامی داشته است. بر اساس آموزه‌های تورات همه خوراکی‌ها پیش از نزول آن، بر بنی اسرائیل حلال بوده است.^{۲۲} بعدها شماری از این خوردنی‌ها به‌عنوان کیفر برخی از گناهان بنی اسرائیل و در قالب آموزه‌های تورات بر آنان حرام شد.^{۲۳} برخی از این احکام تحریمی به‌وسیله حضرت مسیح علیه السلام حلال و منسوخ شدند.^{۲۴}

۱-۱-۵. اخلاق

مقوله اخلاق از مواردی است که تمام متون ادیان، بیشترین همسویی و توافق را با هم دارند. در بخش مبانی، هر سه متن دینی قرآن، تورات و انجیل بر تشبیه انسان به خداوند و الگو قرار دادن افعال او در آراستگی اخلاقی تأکید دارند. صحف موسی علیه السلام تزکیه نفس را مایه فلاح و رستگاری خوانده است.^{۲۵} الواح موسی علیه السلام آموزه‌های پندآمیز فراگیری را که اغلب در حوزه اخلاق جای دارند در بر داشته است (اعراف: ۱۴۵).

۲-۱. انجیل

قرآن کریم، در بعضی از آیاتش، با یادکرد پاره‌ای از احکام و آموزه‌های مشخص، تصویری از محتوای انجیل به دست می‌دهد که در ادامه بیان می‌شود. این آموزه‌ها عبارت‌اند از:

۱-۲-۱. بشارت بعثت پیامبر اسلام ﷺ

قرآن کریم در سوره اعراف^{۲۶}، اوصاف سه گانه «رسول»، «نبی» و «امی» (درس ناخوانده و خط نانوشته بودن) را برای پیامبر ﷺ بیان می‌کند. از ظاهر آیه برمی‌آید که این اوصاف، همه در تورات و انجیل برای پیامبر اسلام ﷺ یاد شده است (طبری، ۱۴۱۵: ۱۱۲/۶ - ۱۱۳؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۹: ۲۶۲/۲ و ۴۲۷/۳) و اگر آیه درصدد چنین بیانی نبود، یاد کرد هر سه وصف در کنار هم که منحصر به همین آیه است، به‌ویژه آوردن ویژگی سوم، نکته روشنی نداشت (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۲۸۰/۸).

در سوره صف نام پیامبر ﷺ ذکر شده است: ﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ (۶) ۲۷. عبارت «اسْمُهُ أَحْمَدُ» با کمک سیاق دلالت دارد بر اینکه این تعبیر را عیسی عليه السلام از رسول خدا ﷺ نقل کرده و نیز بر اینکه اهل تورات و انجیل، آن جناب را به این نام و نام «محمد» می‌شناختند، و این دلالت روشن است، و خفایی در آن نیست (همان: ۲۵۳/۱۹).

گزارش‌های تورات و انجیل درباره بعثت، نام و ویژگی‌های پیامبر اسلام ﷺ به‌گونه‌ای دقیق و روشن بوده است که برای یهود و نصارا یا دست‌کم برای دانشمندان آنان هیچ شک و تردیدی در شناخت آن حضرت و حقانیت دعوت و رسالت وی باقی نمی‌گذاشت (همان: ۴۱/۷). اما گروهی از آنان بر اثر انگیزه‌های گوناگون به کتمان آن می‌پرداختند^{۲۸}. از این آیه و آیات همانند آن برمی‌آید که گزارش‌های یاد شده در تورات و انجیل‌های موجود در عصر نزول نیز بوده است. در غیر این صورت، یهود و نصارا با استناد بر آن به‌عنوان بهترین دلیل، شدیداً به تکذیب قرآن، پیامبر اسلام ﷺ و دعوت او می‌پرداختند (خویی، بی‌تا: ۱۲۲؛ طباطبایی: ۱۴۲۲: ۲۵۳/۱۹؛ رازی، ۱۴۱۳: ۹۴/۱۷). درحالی‌که شماری از آنان، به‌ویژه برخی از دانشمندان یهود و نصارا، بر

اساس بشارت‌های یادشده و شناخت پیشین از پیامبر اسلام به وی ایمان آوردند (خوبی، بی‌تا: ۱۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۲۲: ۵۴/۱۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۱۳/۲۹۶) ۲۹.
در آیه ۲۹ فتح نیز از یادکرد برخی اوصاف پیامبر اسلام ﷺ و پیروان راستین او در تورات و انجیل سخن به میان آمده است:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا
سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ
مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى
عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ ۳۰

۱-۲-۲. جهاد

خداوند در آیه ۱۱۱ سوره توبه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند وعده قطعی بهشت می‌دهد و می‌فرماید که این وعده را در تورات و انجیل هم داده، همان‌طور که در قرآن می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۱۱۳).

۱-۲-۳. سایر آموزه‌های مسیح ﷺ

افزون بر آموزه‌های یادشده، که قرآن به صراحت از ذکر آن‌ها در انجیل یاد می‌کند، تعالیم یادشده مسیح ﷺ به پیروان خویش در قرآن شامل توصیه به تقوا^{۳۱}، یکتاپرستی و پیروی از او^{۳۲}، تصدیق تورات و نفی شرک^{۳۳} است.

جمع‌بندی

از آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که محتوای تورات بیش‌تر از سنخ احکام و اعتقادات (توحید، معاد، نبوت) و محتوای انجیل بیش‌تر از سنخ موعظه و اخلاق بوده است. همچنین برخی از محتوای تورات عبارت است از: احکامی همچون حکم قتل نفس، حکم قصاص، حکم زنا و محصنه و... .

همچنین بشارت به آمدن رسول خاتم ﷺ و سیمای یاران نزدیک پیامبر ﷺ در هر دو کتاب ذکر شده و درباره محتوای صحف ابراهیم ﷺ و زبور داود ﷺ علی‌الظاهر مطلبی در قرآن نیست.

۲. مهیمن بودن قرآن کریم

لفظ «مهیمن» در قرآن دو بار آمده، یک بار در وصف خدا: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (حشر: ۲۳) و در مورد دیگر وصف قرآن:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُبَيِّنُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ (مائده: ۴۸) ۳۰.

مهیمن اسم فاعل از «هیمین» به معنای شاهد و ناظر است و نیز به مراقب و محافظی که سلطه و سیطره داشته باشد، مهیمن می‌گویند. مهیمن از اسمای حسناوی الهی است که دلالت دارد بر گواه و ناظر بودن خدا بر موجودات، که آن‌ها و امورشان را اداره می‌کند. قرآن کریم نیز مهیمن است چون محتوای اعلایش بر دیگر کتاب‌های آسمانی، شاهد، ناظر، و محیط است و نیز برتری و حاکمیت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۷۹/۲۲؛ مصطفوی، ۱۳۷۴: ۳۱۷/۱۱).

علامه طباطبایی (۱۴۲۲) با توجه به موارد استعمال واژه مهیمن، بیان می‌کند: هیمنه چیزی بر چیز دیگر، به معنای تسلط آن شیء بر شیء دیگر است. البته هر تسلطی را هیمنه نمی‌گویند. تسلط در حیطة حفظ و مراقبت از آن شیء و تسلط در انواع تصرف در آن را هیمنه گویند. به همین دلیل خداوند در آیه ۴۸ سوره مائده، قرآن را مهیمن بر سایر کتاب‌های آسمانی پیشین معرفی می‌کند (۳۴۸/۵). آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۸) ذیل این آیه با بیانی زیبا به تفسیر مهیمن بودن قرآن می‌پردازد:

مهیمن از اسماء و صفات فعلی خداوند است. صفت فعل مظهر می‌خواهد و موجود امکانی، محل انتزاع وصف فعلی است و خداوند در آیه مورد بحث قرآن کریم را مظهر اسم مهیمن خود می‌خواند (وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ) ضمیر در «علیه» به «الکتاب» دوم برمی‌گردد که مراد جنس کتاب‌های آسمانی است. یعنی قرآن بر همه کتاب‌های آسمانی گذشته هیمنه دارد. همان‌گونه که خدای سبحان بر جهان مهیمن است و هیمنه او در محو و اثبات چیزی است که مشیتش بر آن تعلق گرفته است. هیمنه قرآن

کریم بر کتاب‌های انبیای پیشین نیز به اذن خدای تعالی در محو و اثبات است. از نظر سلبی (محو) می‌تواند ناسخ بعضی از کتاب‌های آسمانی باشد و از نظر اثباتی (اثبات) حقایق کتاب‌های پیشین را، تبیین و تثبیت می‌کند که از آن به تصدیق یاد می‌شود (۵۸۲/۲۲).

همان‌گونه که گذشت، مهیمن به معنای شاهد، ناظر و محیط است و هیمنه قرآن کریم از آن روست که محتوای بالای آن بر مضمون دیگر کتاب‌ها شاهد و ناظر است و در نتیجه بر آن‌ها حاکمیت و برتری دارد.

۳. نسبت سنجی کتاب‌های آسمانی

تمام کتاب‌های آسمانی، در مسائل اصلی هماهنگی دارند، و هدف واحد یعنی تربیت و تکامل انسان را تعقیب می‌کنند، اگرچه در مسائل فرعی به مقتضای قانون تکامل تدریجی، با هم تفاوت‌هایی دارند، و هر آئین تازه، مرحله بالاتری را می‌پیماید، و برنامه جامع‌تری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۱۰۴).

قرآن کریم، در آیه ۱۴۵ سوره اعراف درباره تورات می‌فرماید: ﴿وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَا أُخُدُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾^{۳۶}. کلمه «من» در جمله «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» به شهادت سیاق بعدش، تبعیض را می‌رساند، و از ظاهر سیاق بر می‌آید که کلمه «موعظه» بیان «كُلِّ شَيْءٍ» است و جمله «وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ» عطف است بر آن، و اگر «تفصیلاً» را نکره آورده برای این است که ابهام و تبعیض را افاده کند.

بنا بر این برگشت معنای آیه به این می‌شود که ما برای موسی در الواح که همان تورات است منتخبی از هر چیز نوشتیم، به این معنا که ما برای او مقداری موعظه نوشتیم و از هر مطلب اعتقادی و عملی آن مقداری را که مورد احتیاج قوم او بود تشریح نمودیم و تفصیل دادیم. بنا بر این، آیه شریفه به خوبی دلالت دارد بر اینکه تورات نسبت به معارف و شرایی که مورد نیاز بشر است، کتاب کاملی نیست؛ و همین‌طور هم هست. هم‌چنان‌که در آیه ۴۸ سوره مائده بعد از ذکر تورات و انجیل، قرآن را مهیمن و مکمل آن دو خوانده است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۲۴۵/۸). ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ﴾^{۳۷}.



آیه دوازدهم سوره احقاف: «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ»^{۳۸}، بیانگر این مطلب است که پیش از قرآن، کتاب موسی علیه السلام، پیشوا و رحمت است و باید از آن پیروی شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۹/۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۲۰/۲۱). چرا قبل از قرآن، کتاب موسی علیه السلام امام و رحمت معرفی شده در حالی که، قبل از قرآن، کتاب عیسی علیه السلام است و کتاب موسی علیه السلام هم، پیش از آن است؟ پاسخ این است که اولاً کتاب موسی علیه السلام، مفصل‌ترین محور تشریحی قبل از قرآن است، و در حاشیه آن کتاب عیسی علیه السلام را، که اصولاً تشریحی افزون بر تورات ندارد، و تنها چیزهایی که به‌عنوان عقوبت موقت بر بنی اسرائیل تحریم شده بود تحلیل کرده است (صادقی تهرانی، بی‌تا: ۷۴/۵).

از طرف دیگر، قرآن کریم، در آیه ۶۳ سوره زخرف درباره انجیل، می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَوْيَاعِي»^{۳۹}. یعنی برای شما حکم حوادث و افعالی که در حکمش اختلاف می‌کنید بیان می‌کنم. هرچند ظاهر آیه مطلق است، هم شامل اعتقادات مورد اختلاف، که کدام حق و کدام باطل است می‌شود، و هم شامل افعال و حوادثی که در حکمش اختلاف می‌شود. و لیکن به دلیل اینکه جمله «قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ» قبل از آن واقع شده، مناسب‌تر آن است که مختص به حوادث و افعال باشد. صاحب مجمع‌البیان معتقد است که، مراد از جمله «بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ» بعضی از مسائل مورد اختلاف نیست، بلکه همه آن‌ها است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۴/۹) و این همان‌گونه که ملاحظه می‌شود حرفی عجیب است که کلمه «بعض» به معنای «کل» باشد (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۱۸/۱۸).

در تفسیر عیاشی از عبد الله بن ولید روایت کرده که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی در قرآن درباره موسی علیه السلام فرمود: «وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَنْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۴۵). از اینجا به دست می‌آید که پس، خداوند همه چیز را برای موسی علیه السلام ننوشته، بلکه از هر چیزی مقداری نوشته، و نیز درباره عیسی علیه السلام فرموده: «وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ» (زخرف: ۶۳)؛ پس همه معارف مورد اختلاف را بیان نکرده، و درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده: «وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۶۶/۲).

در بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۲۸) همین معنا را از عبدالله بن ولید به دو طریق روایت کرده است، و اینکه امام علیه السلام فرمود: خدای تعالی در قرآن درباره موسی علیه السلام فرمود، اشاره است به اینکه آیه شریفه: ﴿وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ﴾ بیانگر و مفسر آیه دیگری است که درباره تورات فرموده: ﴿وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ﴾ و می‌خواهد بفرماید تفصیل هر چیز از بعضی جهات است، نه از هر جهت، زیرا اگر در تورات همه چیز را از همه جهت بیان کرده بود، دیگر معنا نداشت بفرماید: «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» پس همین جمله شاهد بر آن است که در تورات هرچند همه چیز بیان شده، ولی از هر جهت بیان نشده است (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۱۴۷/۲). با توجه به آیات و روایاتی که بیان شد، برای بیان نسبت این کتاب‌ها با یکدیگر، ابتدا لازم است تا توضیح مختصری درباره نسب اربعه داده شود.

وقتی دو مفهوم دارای معانی مختلف باشند، به لحاظ مصداق ممکن است میانشان یکی از چهار نسبت برقرار باشد: تساوی، تباین، عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه. نسبت تساوی میان دو مفهومی برقرار است که در تمام مصداق‌های خود با یکدیگر اشتراک دارند، از باب نمونه مفاهیم انسان و خندان (بالقوه) به گونه‌ای هستند که بر یکدیگر به لحاظ مصداقی تطابق و همپوشانی کامل دارند، بر هر چیزی که انسان صدق می‌کند، خندان نیز صادق است. بازگشت تساوی به دو قضیه موجب کلیه است: «هر انسانی خندان است» و «هر خدانی انسان است».

عموم و خصوص مطلق میان مفاهیمی برقرار است که یکی بر تمام مصداق‌های دیگری صدق می‌کند و دیگری بر بعضی از مصداق‌های آن صادق است. وقتی نسبت میان جاندار و خردورز ملاحظه شود می‌بینیم که جاندار از خردورز اعم است، هر خردورزی ذیل جاندار داخل است، لکن برخی از جانداران خردورز نیستند، گوسفند و اسب جاندارند، ولی خردورز نمی‌باشند. در این مثال جاندار اعم مطلق از خردورز و خردورز اخص مطلق از جاندار است. بازگشت عموم و خصوص مطلق به یک موجب کلیه با موضوع خاص و یک موجب جزئی با موضوع عام است. مانند: «هر خردورزی جاندار است» و «بعضی جانداران خردورزند».

عموم و خصوص من وجه میان دو مفهومی برقرار است که در برخی مصداق همپوشانی و اشتراک دارند، لکن هر یک دارای مصداقی است که به خود آن اختصاص دارد. اگر دو مفهوم

سیاه و پرنده ملاحظه شوند چنین نسبتی میانشان وجود دارد. برخی از مصادیق وجود دارد که هم سیاه است و هم پرنده، همانند کلاغ؛ ولی برخی از پرنده‌ها مانند کبوتر، سیاه نیستند، چنان‌که برخی از سیاه‌ها همانند زغال نیز پرنده نیستند. بازگشت نسبت عام و خاص من وجه به یک موجه جزئی و دو سالبه جزئی است. مانند: «بعضی سیاه‌ها پرنده‌اند» و «بعضی پرنده‌ها سیاه نیستند» و «بعضی سیاه‌ها پرنده نیستند».

اگر دو مفهوم در هیچ‌یک از مصادیق با یکدیگر جمع نشوند و همانند دو خط موازی باشند که هیچ‌گاه یکدیگر را قطع نمی‌کنند، نسبت میان آن‌ها را تباین می‌نامند. سنگ و جاندار دو مفهومی است که هیچ اشتراکی در مصداق ندارند، بازگشت نسبت تباین به دو سالبه کلیه است، مانند: «هیچ جانداری سنگ نیست» و «هیچ سنگی جاندار نیست» (نک. خوانساری، ۱۳۷۳: ۸۵-۸۶؛ مظفر، بی‌تا: ۷۶-۷۸).

از آنجا که تورات و انجیل، هرکدام کاستی‌هایی دارند که دیگری آن را رفع می‌کند، با توجه به مطالب فوق، این نتیجه حاصل می‌شود که نسبت این دو کتاب با یکدیگر عموم و خصوص من وجه است.

در آیه ۴۸ سوره مائده:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمِنْهَا جَاوِزًا لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيُتْلَوْكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَقْبُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾^{۴۰}

قبل از لفظ «مهیمن» دو صفت دیگر برای قرآن ذکر می‌شود. در ابتدا، قرآن کریم را با کلمه «بالحق» وصف می‌کند که جامع همه اوصاف قرآن کریم از جمله هدایتگری و نورانیت است. قرآن کریم، هم نزول آن و هم تلقی آن از سوی پیامبر ﷺ در کسوت یا مصاحبت حق بوده است.^{۴۱}

دومین وصفی که برای قرآن ذکر می‌کند: تصدیق کتاب‌های آسمانی پیشین است: «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ». این قسمت از آیه بیان می‌کند که: قرآن قبول دارد که تورات و انجیل و معارف و احکامش از ناحیه خدا نازل شده بود و مناسب با حال انسان‌های قبل از این بود. پس

منافاتی ندارد در عین اینکه از ناحیه خدا بوده امروز نسخ و تکمیل شود، چیزی از آن‌ها حذف و چیز دیگری اضافه شود، همان‌طور که مسیح علیه السلام و یا انجیل مسیح علیه السلام مصدق تورات بود، و در عین حال بعضی از محرّمات تورات را حذف نموده، آن‌ها را حلال کرد و قرآن کریم این معنا را از آن جناب حکایت نموده است (آل عمران: ۵۰؛ طباطبایی، ۱۴۲۲: ۳۴۹/۵).

یکی از مهم‌ترین و سومین وصفی که قرآن برای خود بر می‌شمارد، «مهیمن» بودن آن است. خداوند متعال قرآن را به‌عنوان مهیمن بر دیگر کتاب‌های آسمانی معرفی می‌کند، یعنی قرآن بر آن کتاب‌ها سلطه داشته و قایم به امور آن‌ها بوده و اختیار حفظ و مراقبت و انواع تصرفات در آن‌ها را دارا است. بنابراین قرآن که تبیان هر چیزی است^{۴۲}. اصول ثابت و لایتغیر کتاب‌های پیشین را حفظ نموده و فروعی را که تغییرپذیر است، بر حسب نیازهای انسان و در جهت تکامل وی نسخ و محو می‌کند و این یکی از ویژگی‌های قرآن است^{۴۳}. با توجه به صفت مهیمن بودن، نسبت قرآن با این دو کتاب و تمام کتاب‌های آسمانی پیشین، عموم و خصوص مطلق است.

جمع‌بندی

با توجه به آیاتی که بیانگر محتوای تورات و انجیل اصیل بود، محتوای تورات اصیل، بیش‌تر از سنخ احکام و اعتقادات (توحید، معاد، نبوت) و انجیل اصلی، بیش‌تر از سنخ موعظه و اخلاق بوده است؛ برای نمونه برخی از محتوای تورات و انجیل عبارت است از: احکامی همچون حکم قتل نفس، حکم قصاص، حکم زنای محصنه و... در تورات، و بشارت به آمدن رسول خاتم (صلی الله وعلیه وآله) و سیمای یاران نزدیک پیامبر (صلی الله وعلیه وآله) در هردو کتاب. همین امر، سبب شده است که این دو کتاب در کنار هم، وسیله هدایت مردم معرفی شوند. اما آیه ۴۸ سوره مائده، بیانگر این است که قرآن، به‌عنوان کامل‌ترین و آخرین کتاب آسمانی، «مُهیمین» بر کتاب‌های آسمانی گذشته معرفی شده است. لذا، نسبت قرآن کریم با تمام کتاب‌های آسمانی پیشین، عموم و خصوص مطلق و نسبت دو کتاب تورات و انجیل با یکدیگر، عموم و خصوص من وجه است. از آنجا که تورات و انجیل کنونی آکنده از تحریف (مائده: ۴۱) معاندان است، نسبت قرآن با این کتاب‌ها نیز عموم خصوص مطلق است و مهیمن بر آن‌ها است. درباره محتوای صحف ابراهیم علیه السلام و زبور داود علیه السلام علی‌الظاهر مطلبی در قرآن نیست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. همه مردم (پیش از بعثت پیامبران صاحب شریعت) يك گروه بودند (که بدون شریعت آسمانی طبق اقتضای عقولشان زندگی می‌کردند، اما کم کم در امور دنیوی خود به اختلاف افتادند) پس خداوند پیامبران را (با دین و شرایع آسمانی) مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و همراه آنها کتاب (آسمانی) را به حق (و هدفی والا و عقلانی) فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. (سپس در خود کتاب اختلاف پیدا شد که گروهی اصل آن یا معارفی از آن را نپذیرفتند) و اختلاف در آن را پدید نیاوردند مگر کسانی که کتاب به آنها داده شد آن هم پس از آنکه دلایل روشنی (در این باره) برای آنها آمد، از روی حسد و برتری طلبی در میان خودشان. پس خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به توفیق خود، به حقی که در آن اختلاف داشتند راهنمایی نمود و خداوند هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می‌کند.

۲. سپس به موسی کتاب (تورات) دادیم برای اتمام (نعمت) بر کسی که نیکوکار باشد و آن را نیکو بداند و در خود و جامعه خود نیکو پیاده کند، و برای تفصیل و بیان هر چیزی (از اصول و فروع شریعت او)، و تا مایه هدایت و رحمت (بر آنان) باشد، شاید به دیدار پروردگارشان ایمان آورند.

۳. «فَلَمَّا آتَاهَا نُودِي يَا مُوسَى (۱۱) إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۲) وَأَنَّا اخْتَرْنَاكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (۱۳) إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي».

۴. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ (۸۳) وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ أَنفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۸۴) ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ مِنْ دِيَارِكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَطَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: ۸۳ - ۸۵)

۵. «وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلاً». (اسراء: ۲)



۶. «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ» (انبیاء: ۲۴).

۷. «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى (۳۶) ... وَ أَنَّهُ هُوَ أَصْحَاكُ وَ أَبْكَى (۴۳) وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتُ وَ أَحْيَا (۴۴) وَ أَنَّهُ خَلَقَ الرُّؤْجِينَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى (۴۵) مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى (۴۶) وَ أَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى (۴۷) وَ أَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَ أَفْنَى (۴۸) وَ أَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَى (۴۹) وَ أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى (۵۰) وَ ثَمُودَ فَمَا أَبْقَى (۵۱)».

۸. سپس به موسی کتاب (تورات) دادیم برای اتمام (نعمت) بر کسی که نیکوکار باشد و آن را نیکو بداند و در خود و جامعه خود نیکو پیاده کند، و برای تفصیل و بیان هر چیزی (از اصول و فروع شریعت او)، و تا مایه هدایت و رحمت (بر آنان) باشد، شاید به دیدار پروردگارشان ایمان آورند.

۹. «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى (۱۵) فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَزْدَى (۱۶)».

۱۰. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۱۱۱).

۱۱. «إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَ لَا يَحْيَى (۷۴) وَ مَنْ يَأْتِهُ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (۷۵) جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى» (طه: ۷۴ - ۷۶). «بِأَقْوَمِ أُمَّةٍ هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۳۹) مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر: ۳۹ - ۴۰).

۱۲. «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَ مَا أَنْزَلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۶).

۱۳. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ

عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۱۵۷).

۱۴. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره/۱۴۶).

۱۵. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲) وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ» (قصص: ۵۲ - ۵۳).

۱۶. «ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» (انعام: ۱۵۴)؛ «وَكُتُبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ وَأْمَرَ قَوْمَكَ بِأَحْسَنِهَا سَأَرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ» (اعراف: ۱۴۵).

۱۷. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَنْزِقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱) وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲) وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۱ - ۱۵۳).

۱۸. «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴).

۱۹. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاعْشَوُا وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ* وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده: ۴۴ - ۴۵).

۲۰. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَضْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ* ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ نُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ

الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: ۸۴ - ۸۵).

۲۱. «وَ كَيْفَ يُحْكُمُونَكَ وَ عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (مائده: ۴۳).

۲۲. «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران: ۹۳).

۲۳. «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّاهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا* وَ أَخَذَهُمُ الرَّبُّ وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۶۰ - ۱۶۱).

۲۴. «وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُمْكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا» (آل عمران: ۵۰).

۲۵. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى... إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ* صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ» (اعلی: ۱۴، ۱۸، ۱۹).

۲۶. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّزُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۱۵۷).

۲۷. و (به یاد آر) هنگامی که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل، بی تردید من فرستاده خدا به سوی شمایم در حالی که آنچه را پیش از من آمده که تورات باشد تصدیق کننده‌ام و به فرستاده‌ای که پس از من خواهد آمد که نام او احمد (صلی الله علیه و آله) است بشارت دهنده‌ام. پس چون احمد آمد و برای آنان دلایل روشنی آورد گفتند: این جادویی است آشکار.

۲۸. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ إِنْ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۴۶).

۲۹. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲) وَ إِذَا تُلِيَ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ» (قصص: ۵۲ - ۵۳).

۳۰. محمد ﷺ پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

۳۱. «و مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا» (آل عمران: ۵۰).

۳۲. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (آل عمران: ۵۱).

۳۳. «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (مائده: ۷۲). «اتَّخَذُوا أَخْبَارَهُمْ وَ رُهبَانَهُمْ أَزْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۱).

۳۴. اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حق خود که] نگهبان، عزیز، جبار [و] متکبر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می‌گردانند.

۳۵. و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست. پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن، و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده، پیروی مکن. برای هر یک از شما [امتها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم. و اگر خدا می‌خواست شما را يك امت قرار می‌داد، ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت [همه] شما به سوی خداست آن گاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد.

۳۶. و در الواح [تورات] برای او در هر موردی پندی، و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم، پس [فرمودیم]: «آن را به جد و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می‌نمایانم».

۳۷. و ما این کتاب [قرآن] را به حقّ به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست.

۳۸. و [حال آنکه] پیش از آن، کتاب موسی، راهبر و [مايه] رحمتی بود و این [قرآن] کتابی است به زبان عربی که تصدیق‌کننده [آن] است، تا کسانی را که ستم کرده‌اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مزده‌ای باشد.

۳۹. و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت: «به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا در باره بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کردید برایتان توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم بپزید».

۴۰. و ما این کتاب را به سوی تو به حق و درستی فرو فرستادیم که تصدیق‌کننده است آنچه را از کتاب‌ها (ی آسمانی) که پیش از او بوده و مسلط و مراقب و حافظ و گواه بر آنهاست. پس میان آنان بر طبق آنچه خدا (بر تو) نازل کرده داوری کن و هرگز از هواهای (نفسانی) آنان با انحراف از حقی که بر تو آمده پیروی مکن. برای هر يك از شما (امت‌ها) آیین و برنامه روشنی قرار دادیم. و اگر خداوند (به اراده حتمی خود) می‌خواست همه شما (امت‌ها) را بی‌تردید يك امت می‌کرد (همه بشر را در طول تاریخ با يك نوع استعداد فکری راکد، نیازمند يك شریعت می‌کرد) و لکن خواست در آنچه به شما داده شما را آزمایش کند (از این رو استعدادهای گوناگون قابل تکامل داد و بر حسب تکامل آن شرایع نازل کرد) پس به سوی کارهای خیر پیشی گیرید. برگشت همه شما به سوی خداست، پس شما را به آنچه درباره آن اختلاف می‌کردید آگاه خواهد کرد.

۴۱. «و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (اسراء: ۱۰۵).

۴۲. «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹).

۴۳. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء: ۹).

منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۰۹ق). تفسیر القرآن العظیم، به کوشش مرعشلی، بیروت: دار المعرفة؛
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). تفسیر تسنیم، تحقیق: حجة الاسلام علی اسلامی، بی جا: چاپ هشتم؛
۴. خوانساری، محمد. (۱۳۷۳ش). منطق صوری، تهران: آگاه، چاپ هفتم؛
۵. خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی؛
۶. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۱۳ق). التفسیر الکبیر، قم: دفتر تبلیغات؛
۷. زمخشری، جارالله محمود بن عمر. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم؛
۸. صادقی تهرانی، محمد. (بی تا). ترجمان فرقان، قم: شکران؛
۹. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات، تهران: مؤسسه اعلمی؛
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۲۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم؛
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق)؛ جوامع الجامع، بیروت: دارالاضواء؛
۱۲. _____ (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو؛
۱۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۵ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، به کوشش صدقی جمیل، بیروت: دار الفکر؛
۱۴. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه؛

۱۶. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق). الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶ش). قرآن شناسی، تحقیق و نگارش: محمود رجبی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول؛
۱۸. مصطفوی، حسن. (۱۳۷۴ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت ارشاد؛
۱۹. مظفر، محمد رضا. (بی تا). المنطق، نجف اشرف: مطبعة النعمان؛
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول.

